

پیش‌خواران

وقتی خواهر سِرِ پرسی سایکس برای کشورمان سفرنامه می‌نویسد

«ایران و مردمش» از دریچه توصیف بانویی فرنگی

■ سمانه صادقی

اثری که هم اینک در معرفیِ آن سخن می‌رود، سفرنامهِ الایرآن، خواهر سِرِ پرسی سایکس از دوره حضور در ایران و گشت و گذار در ساحت جغرافیایی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آن است. این سیاحتنامه از سوی علی محمد طرداری به فارسی برگردانده شده و پژوهشکده تاریخ معاصر ایران، آن را به زیور طبع آراسته‌است. تارنمای ناشر در اشارت به مضمون و محتوای این کتاب، تذکار به نکات بی‌امده را ضروری دانسته‌است:

«سفرنامه‌ها همواره پنجره‌ای به سوی گذشته بوده‌اند، اما برخی از آنها بیش از آنکه توصیفاتی از مناظر باشند، اسنادی از قدرت، سیاست و تضادهای فرهنگی هستند. کتاب ایران و مردمش اثر الایرکنستانس سایکس که به‌تازگی با ترجمه دقیق علی محمد طرداری از بسوی پژوهشکده تاریخ معاصر منتشر شده، دقیقاً از همین دست‌است. این اثر، روایت بانویی است که در اواخر قرن نوزدهم، میان دودنیای متضاد قرار داشت: دنیای آکادمیک و روشنفکرانه آکسفورد و دنیای سنتی و پیچیده ایران عصر قاجار. برای درک اهمیت این کتاب، باید ابتدا جایگاه نویسنده را بازشناسی کنیم. الایرآن یک سیاح نبود و خواهر سر پرسی سایکس، یکی از دیپلمات‌های انگلیسی بود. در سال ۱۸۹۴، زمانی که انگلستان برای محافظت از مستعمرات خود در هند، نگاهی آزمندانه به مرزهای جنوب شرقی ایران داشت، الایر در کنار برادرش به مناطقی سفر کرد که کمتر اروپایی‌ای به آنجا سفر کرده بود. بنابراین، این سفرنامه را باید در کنار سیاست‌های استعماری انگلستان خواند. حضور او در تأسیس کنسولگری‌های انگلستان در کرمان و بلوچستان،

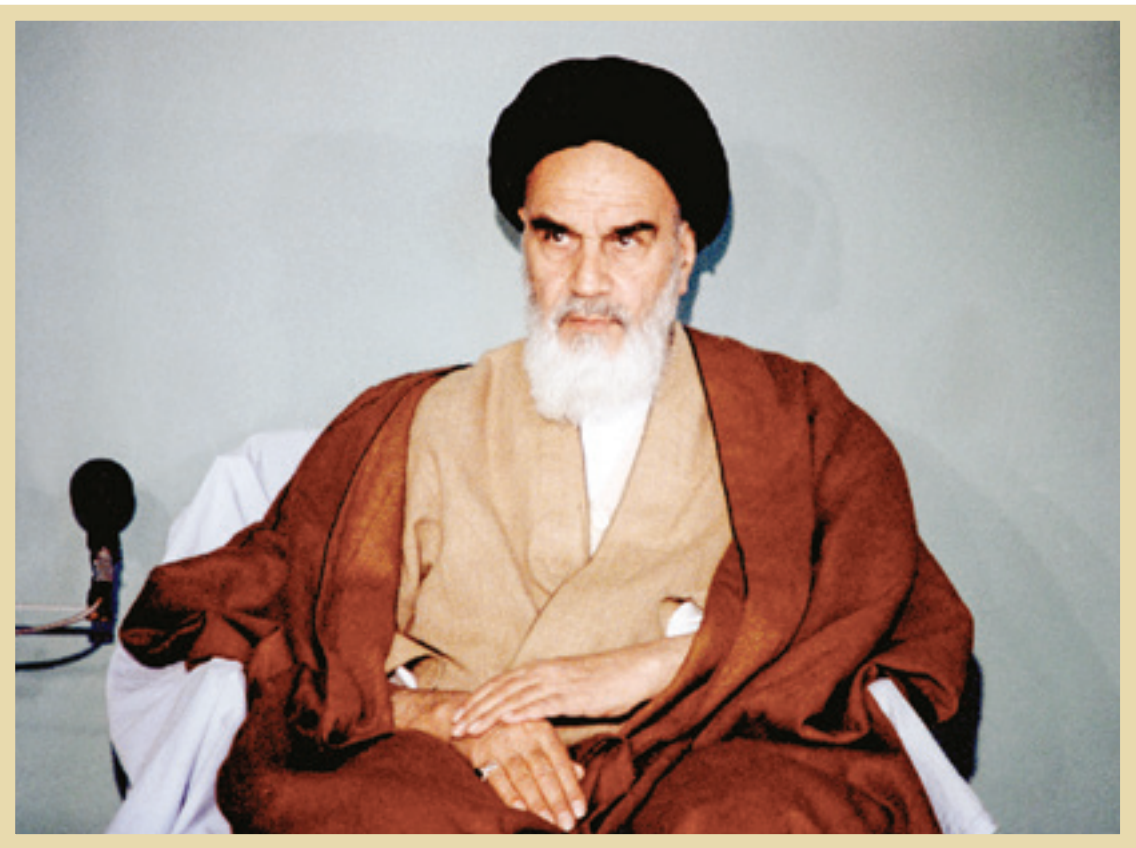


► طرحی از پوشش زنان ایرانی در دوره قاجار

این اثر را به یک سند سیاسی تبدیل می‌کند که نشان می‌دهد؛ چگونه نگاه مستشرقانه، در خدمت اهداف استراتژیک امپراتوری‌ها بود. جذاب‌ترین بخش کتاب ایران و مردمش، در آنجاست که الایر سایکس از نقش یک مأمور سیاسی خارج شده و در نقش یک مردم‌شناس ظاهر می‌شود. او به دلیل جنسیتش، به نقاطی از زندگی ایرانیان نفوذ کرد که برای برادرش یا دیگر مأموران انگلیسی دست‌یافتنی بود. فصل مربوط به زن ایرانی در این کتاب، یک گنجینه اطلاعاتی است. او با نگاهی متأملانه، رست چنان زنان قاجاری را توصیف کرده و تضادهای میان سنت و مدرنیته را در نگاه آنها صد کرده‌است؛ همچنین نگاه او به خرافات ایرانی و هنر طبیعت، تصویری زنده از باورهای عامیانه و وضعیت بهداشت و درمان در آن دوران ارائه می‌دهد که برای پژوهشگران تاریخ اجتماعی ایران بسیار ارزشمند است. ساینکس در این اثر، جغرافیای ایران را به گونه‌ای پویا به تصویر می‌کشد. او دو فصل کامل را به توصیف شهر مشهد و محیط پیرامون آن اختصاص داده‌است؛ توصیفاتی که از منظری مذهبی و اجتماعی، تپش‌های قلب معنوی ایران را در آن دوران بازگو می‌کند. از سوی دیگر گزارش‌های او از خلیج فارس و رود کارون، اهمیت استراتژیک جنوب ایران را از دیدگاه یک ناظر خارجی به تصویر می‌کشد. یکی از نقاط قوت این نشر، ترجمه علی محمد طرداری‌است. مترجم با هوشمندی کامل، پذیرفته‌است که متن اصلی حاوی برخی داوری‌های ناصواب است؛ اشتباهاتی که ریشه در پیش‌داوری‌های استعماری آن دوران دارد، اما او به جای تغییر متن، تصمیم گرفته‌است با استفاده از باورهای روشنگرانه و معادل‌سازی دقیق (تاریخ میلادی به قمری) و واحدها، خواننده را به یک خوانش نقادانه دعوت کند…»

تاریخ

تاریخ ۶۰۰۸۵۲۳۰



سیری در تاریخچه یک توطئه، از نظریه پردازی «مالتوس» تا انکار امام خمینی

«سناریوی جمعیت» و تبدیل انسان مبارز به انسان مصرف‌کننده و شکننده!

■ پروین قائمی

بحران جمعیت در سراسر جهان و به ویژه ایران، ناخودآگاه اندیشه ما را به سوی پیشینه تاریخی این پدیده می‌برد به ویژه که این ایده چگونه از سوی کانون‌های استعماری تجویز شد؟ و رفته رفته به مرحله تحقق رسید؟ مقال بی‌امده، در نما یاندن بخشی از تاریخچه این رویکرد شوم به نگارش در آمده است. امید آن که مفید و مقبول آید.

■ ■ ■

■ **طرح مسئله**

در دهه‌های اخیر، جامعه ما با تلاطمات عجیبی در حوزه جمعیت روبه‌رو شده است. آنچه در ظاهر یک «بحران اقتصادی» یا «تغییر سبک زندگی» به نظر می‌رسد، در واقع نتیجه یک جنگ نرم سازمان‌یافته و راهبردی است که ریشه‌های آن را باید در تاریخ استعمار و تفرکات مادی‌گرای غرب جست‌وجو کرد. ما سال‌ها شاهد ترویج شعارهایی بودیم که در پوششی از بهداشت، رفاه و کیفیت زندگی، هدف‌شان تغییر بنیادین ساختار خانواده و تضعیف اراده ملی بود. شعارهایی چون «فرزند کمتر، زندگی بهتر»، در ابتدا به‌عنوان توصیه‌ای بهداشتی یا اقتصادی معرفی شدند، اما اگر با عینک بصیرت به این پدیده نظر کنیم؛ خواهیم دید با یک توصیه بهداشتی ساده روبه‌رو نیستیم بلکه با یک سلاح راهبردی در جنگ نرم مواجهیم که هدفش حذف تدریجی نیروی انسانی کشور‌های اسلامی از روی صفحه تاریخ است.

■ **ریشه‌های تاریخی ماجرا از مالتوس تا مهندسی فقر در دوران استعمار**

برای درک این توطئه، باید به ریشه‌های تاریخی آن بازگردیم. —این تفکر، محصول تلاقی «سرمایه‌داری متاخر» و «تئولیرالیسم» است. ریشه این جریان را می‌توان در نظریات «توماس رابرت مالتوس» در اواخر قرن هجدهم جست‌وجو کرد. مالتوس، اقتصاددانی بود که با نگاهی بدبینانه ادعا کرد: «جمعیت‌انسان‌ها به‌صورت هندسی رشد می‌کند، در حالی که تولید غذا به‌صورت تصاعدی افزایش می‌یابد!» او نتیجه گرفت چنان، برزودی با قحط و فقر مطلق روبه‌رو خواهد شد. اگرچه در ابتدا این نظریه یک تحلیل اقتصادی به‌نظر می‌رسید، اما به‌سرعت از سوی قدرت‌های استعمارگر به یک ابزار سیاسی تبدیل شد. غرب، در یافت برای کنترل کشور‌های جهان سوم و تضعیف قدرت ملی آنها، نباید اجازه دهد جمعیت این کشور‌ها رشد کند. در واقع، مالتوسیست از یک نظریه اقتصادی به یک «سیاست نسل‌کشی نرم» تبدیل شدادر

شهید آیت الله العظمی خاتمه‌ای با صراحت و تواضع، به این نکته اشاره کردند که در مقطعی از تاریخ، تصمیمات مربوط به کنترل جمعیت بر اساس برخی تحلیلی‌ها اتخاذ شد، اما ادامه آن یک خطای راهبردی بود. ایشان تصریح کردند که دشمنان از این فرصت استفاده کرد تا فرهنگ تک‌فرزندی و ترس از آینده را به جامعه تزریق کند. این سخنان تاریخی، یک «سند بیداری» است

دیگر مستقیماً با نام سازمان بهداشت به میدان نیامد، بلکه از طریق اقتصاد نفوذ کرد و شعار «فرزند کمتر، زندگی بهتر» را با وعده‌های رفاه مادی گره زد. در سال‌های بعد، برخی تحلیلگران و شخصیت‌ها تحت تأثیر تحلیل‌های اقتصادی سطحی و فشار مدل‌های غربی به اشتباه افتادند و تصور کردند کاهش جمعیت، شاید در کوتاه‌مدت فشار روی منابع اقتصادی را کم کند. آنها اقتصاد را بر اهبرد مقدم دانستند، غافل از اینکه در واقع در حال اجرای دستورالعملی هستند که حتی خود غربی‌ها هم در لایه‌های بالای قدرت، به آن اعتقادی ندارند!

■ **نفاد قدرت، میان شعارهای تودهای و استراتژی نخبگان**

یکی از منحکتر یـن بخش‌های ایـسن توطئه، تضاد میان چیزی است که به توده‌ها گفته می‌شود و آنچه نخبگان انجام می‌دهند. اگر قرار بود شعار «فرزند کمتر، زندگی بهتر» یک حقیقت علمی و رفاهی باشد، باید در کشور‌های پیشرو در میان ثروتمندترین و قدرتمندترین خانواده‌های جهان، بیشتر اثر را می‌کرد، اما واقعیت دقیقاً برعکس است. نظری به تاریخ خانواده‌های اثر گذار غربی مانند خاندان کندی، نشان می‌دهد، آنها هرگز اجازه ندادند تا تعداد فرزندشان کاهش یابد. ایشان به خوبی می‌دانستند جمعیت، یعنی بازوی قدرت و تداوم سلطه. در لایه‌های پنهان قدرت، اصل بر این است که سرمایه انسانی، تنها دارایی‌ای است که نمی‌شود خرید. نگاهی به چهره‌های قدرتمند و سلبریتی‌های عصر جدید مانند دیوید بکهام و بسیاری از چهره‌های با نفوذ جهان، نشان می‌دهد ما در حال اجرای دستورالعملی هستیم که برای کشور‌های اسلامی در حال توسعه طراحی شده تا در معادلات جهانی به حاشیه رانده شوند.

■ **بصیرت امام خمینی، تشخیص زودهنگام توطئه**

باید به این نکته توجه کرد که امام خمینی، رهبر کبیر انقلاب اسلامی با بصیرت خداباورانه خویش، سال‌ها قبل تشخیص داده بودند دشمن به دنبال تضعیف اراده جامعه اسلامی است. ایشان می‌دیدند هر ضربه‌ای به ساختار



دی ۱۳۵۷ تهران نشانی از یک رهیمایی انقلاب اسلامی

د

امام خمینی در تحلیل توطئه‌های جمعیتی، بر این باور بودند که دشمن می‌خواهد ما را در تله رفاه کاذب بیندازد تا از فکر تداوم نسل و قدرت انسانی باز بمانیم. فرزندآوری برای مسلمین، یک اقدام راهبردی در برابر استکبار است. ایشان با بصیرتی شگفت‌انگیز هشدار دادند که غرب تنها نمی‌خواهد کشورهای اسلامی از نظر سیاسی تضعیف، بلکه می‌خواهد از طریق خانواده تخریب شوند

خانواده، در واقع ضربه‌ای به تیغ مبارزه است. امام در سخنان متعددی، به‌ویژه در سالیان ابتدایی انقلاب، بر اهمیت جمعیت تأکید داشتند و هشدار دادند کاهش فرزندآوری، یکی از توطئه‌های دشمن برای تضعیف امت اسلامی است. امام صراحتاً اعلام داشتند، تلاش دشمن برای کاهش جمعیت مسلمانان، بخشی از یک نقشه بزرگ‌تر برای حذف قدرت سیاسی و اجتماعی اسلام از روی زمین است. ایشان می‌فرمودند فرزندآوری، یک امر راهبردی است و هر انسانی که به دنیا می‌آید، یک نیروی فعال برای حق است. امام با دقت می‌دیدند، دشمن نمی‌خواهد ما صرفاً فقیر باشیم (چون فقر خودش ابزاری برای کنترل است)، بلکه می‌خواهد ما «تنها» باشیم! بنیانگذار جمهوری اسلامی در تحلیل‌های راهبردی خود، بر این نکته تأکید داشتند که تضعیف جمعیت، در واقع تضعیف اراده مبارزاتی امت است. ایشان معتقد بودند، هر نوزادی که در کالبد یک مسلمان به دنیا می‌آید، یک نیروی جدید برای مقابله با استکبار است

و تلاش دشمن برای کنترل جمعیت، در حقیقت تلاش برای «خالی کردن میدان» از نیروی حق ارزیابی می‌شود. از نظر امام، تک‌فرزندی یعنی خلق نسلی که هیچ تکیه‌گاه و برادری ندارد در نهایت، در برابر هر ضربه‌ای از سوی دشمن، به‌راحتی می‌شکند. وقتی ما جمعیت را کاهش می‌دهیم، در واقع در حال خودکشی جمعی هستیم. ایشان هشدار دادند اگر مسلمانان به این تله رفاه کاذب بیفتند، در آینده با بحران نبود نیروی انسانی برای دفاع از ارزش‌ها روبه‌رو خواهند شد. امام در پاسخ به کسانی که از ترس فقر و تنگدستی از فرزندآوری می‌ترسیدند، همواره بر «رزق الهی» تأکید می‌کردند. ایشان همواره به این آیه قرآنی استناد نمودند: «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشِیَةً عَلَیْکُمْ نَحْنُ اسْتَأْذِنُوا» (و کتلیه‌های خود را به ترس از فقر، قتل نکنید). امام در سخنانش تأکید می‌کردند، دشمن می‌خواهد از ترس فقر، فرزندآوری را به همراه می‌آورد و ترس از فقر، یکی از ابزارهای دشمن صهیونیستی برای توقف رشد جمعیت مسلمانان در حالی که خود به شدت در پی تشویق و تکثیر نسل خویش است!

امام در تحلیل توطئه‌های جمعیتی، بر این باور بودند که دشمن می‌خواهد ما را در تله رفاه کاذب بیندازد تا از فکر تداوم نسل و قدرت انسانی باز بمانیم؛ فرزندآوری برای مسلمین و متدینین، یک اقدام راهبردی در برابر استکبار است. ایشان با بصیرتی شگفت‌انگیز هشدار دادند غرب نمی‌خواهد کشور‌های اسلامی تنها از نظر سیاسی تضعیف شوند، بلکه می‌خواهد از درون (یعنی از طریق خانواده) تخریب شوند. رهبر فقید انقلاب تأکید داشتند، دستورالعمل‌های غربی در پوشش بهداشت و علم، در واقع برای این است که نسل‌های آینده مسلمانان، در برابر حادیت‌های مادی غرب، شکننده و بی‌اراده شوند. متأسفانه این هشدار حیاتی امام نیز همچون بسیاری از رهنمودهای مبتنی بر خداباوری بی‌تظیر ایشان نادیده گرفته و جامعه بسیار جوان ما دچار پیری و فرسودگی‌ای شد که جبران آن فوق‌العاده دشوار است.

■ **اراده انسانی در برابر ماشین، چرا جمعیت هنوز شاه کلید پیروزی است؟**

در عصر حاضر با نگاهی سطحی ادعا می‌شود با ظهور تکنولوژی و اتوماسیون، دیگر تعداد جمعیت اهمیتی ندارد و کیفیت جایگزین کمیت شده است، اما این یک توهم خطرناک است. باید به یاد داشت هوش مصنوعی، هر قدر هم پیشرفته باشد، یک ابزار است، نه فاعل. ماشین‌ها می‌توانند محاسبه کنند، اما نمی‌توانند اراده و ایمان داشته باشند و حس وطن‌دوستی و عشق به حق را تجربه کنند. در معادلات قدرت، هر انسانی که به دنیا می‌آید، یک واحد اراده است؛ اراده‌ای که می‌تواند در لحظات حساس، مسیر تاریخ را تغییر دهد. هیچ رباتی نمی‌تواند جایگزین یک سرباز مؤمن، یک دانشمند متعهد، یا یک پدر خانواده شود که برای آینده فرزندانش می‌جنگد. بنابراین در عصر دیجیتال، تکیه بر جمعیت نه یک نیاز سنتی، بلکه یک ضرورت راهبردی است. هر کاشخی در جمعیت، در واقع کاهش در تعداد اراده‌های فعال برای مقابله با استکبار است. دشمن می‌خواهد ما را متقاعد کند که با چند ربات و تکنولوژی به روز، جای خالی انسان‌ها را بر کنیم، اما حقیقت این است که قدرت نهایی، در دست کسانی است که تعداد انسان‌های بااراده بیشتری دارند.

■ **اعتراف به اشتباه و بازگشت به حقیقت، درس‌های مدیریتی**

در مسیر تاریخ، گاهی تصمیمات بر اساس تحلیل‌های محدود زمانی اتخاذ می‌شوند. در

دوره‌ای از سالیان پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تحت تأثیر تحلیل‌های اقتصادی و فشار سازمان‌های بهداشتی، تصمیمی در سطح کلان برای کنترل جمعیت گرفته شد. اما در سالیان بعد، شهید آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای با صراحت و تواضع به این موضوع اذعان کردند. ایشان در پاره‌ای از سخنرانی‌های خویش در سالیان پایانی حیات، اشاره کردند، در مقطعی از تاریخ، تصمیمات مربوط به کنترل جمعیت بر اساس پاره‌ای از تحلیل‌ها اتخاذ شد، اما ادامه آن یک خطای راهبردی بود. رهبر شهید تصریح کردند، دشمن از این فرصت استفاده کرد تا فرهنگ تک‌فرزندی و ترس از آینده را در جامعه تزریق کند. این سخنان مهم و تاریخی، در واقع یک «سند بیداری» است. این رویداد نشان می‌دهد، حتی در بالاترین سطوح مدیریتی، هرگاه بصیرت بر تحلیل‌های مادی غلبه کند، حقیقت آشکار خواهد شد. این اذعان تأیید می‌کند، شعار «فرزند کمتر، زندگی بهتر» یک توهم بود و در واقعیت، منجر به ایجاد بحرانی شد که امروزه تمامی دنیا (حتی کشور‌های غربی) با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند. این تجربه نشان می‌دهد هرگز نباید تحلیل‌های اقتصادی را بر راهبردهای کلان ملی و دینی مقدم دانست. تاریخ نشان داده است، هر گاه از ریشه‌های اصیل خود دور افتادیم و چشم‌پوشته‌های گویاهی غربی را بر گردیم، لاجرم به بن‌بست خورده‌یم و گرفتار مشکلات متنوع شدیم. این به معنای نفی استفاده از تجربیات غرب و شرق نیست که به فرموده پیامبر (ص) «ایرانی‌ها به دانش، حتی اگر در ثریا باشند دست می‌یابند.» مشکل، وادادگی در برابر دستاوردهای غربی و بومی نکردن آنهاست. پدیده رایج تک‌فرزندی در جامعه ما، در زمره فجایعی است که آثار مخرب خویش را همین حالا هم نشان می‌دهد. نسلی تکر و خودمحور که عالم و آدم را خدمتکار خود می‌داند و همواره به جای بخشیدن و تلاش برای پیشبرد جامعه، طلبکار است و دست بگیر دار!

■ **کالبد شکافی روانشناختی، تله شکنندگی در تک‌فرزندی**

علاوه بر ابعاد سیاسی و تاریخی این موضوع، باید به جنبه‌های روانشناختی این توطئه نیز پرداخت. تک‌فرزندی، تنها یک موضوع جمعیتی نیست که یک «جراحی روانی» است. کودکی که در محیطی رشد می‌کند که هیچ برادر یا خواهری ندارد، در واقع از یک سرمایه اجتماعی محروم شده‌است. کودک تک‌فرزند در مواجهه با شکست، چون تکیه‌گاهی در سطح همسالان (برادر و خواهر) ندارد، دچار شکنندگی روانی شدید می‌شود. او در محیطی رشد می‌کند که تمام توجهات مشروع مکز بر اوست و این منجر به ایجاد تشویش می‌شود که در برابر فشارهای اجتماعی تاب‌آوری کمی دارد. این انزوای عاطفی، دقیقاً همان چیزی است که دشمن می‌خواهد. دشمن می‌خواهد نسلی را خلق کند که تنها باشد. چرا؟ چون انسان تنها راح‌تر تسلیم و مطیع می‌شود و سریع‌تر در برابر وسوسه‌های مادی می‌شکند. در مقابل خانواده‌های پرجمعیت، مدارس کوچکی برای یادگیری سخاوت، همدلی و مسئولیت‌پذیری هستند. این آموزه‌ها به شکلی که در فرهنگ غربی می‌شود، در هیچ مدرسه مدرتی تدریس نخواهد شد، چه نهاد در پرتو خواهر برادری آموخته می‌شوند. کودکی که با برادر و خواهر رشد می‌کند، یاد می‌گیرد چگونه ترویج تک‌فرزندی، در واقع یک سیاست امنیتی برای خلق نسلی است که به دلیل تنهایی و وابستگی مطلق به والدین، راحت‌تر کنترل و هدایت می‌شود. بنابراین شعار «فرزند کمتر، زندگی بهتر»، در واقع ابزاری است برای تبدیل انسان مبارز به انسان مصرف‌کننده و شکننده.

■ **بیداری از خواب رفاه‌زدگی و بازگشت به توکل**

در نهایت باید گفت بحران جمعیت در ایران، یک بحران اقتصادی نیست، بلکه در واقع بحران باور است. ما باور داشتیم، خدا روزی بدهنده است، اما حالا باور می‌کنیم، بانک روزی بدهنده است! ما باور داشتیم که هر فرزند یک برکت است، اما حالا باور می‌کنیم هر فرزند یک هزینه است! این تغییر پارادایم و الگوی ذهنی، نتیجه یک جنگ فرهنگی سازمان‌یافته است. ما باید بفهمیم که سیاست غیر غربی در حوزه جمعیت، یعنی بازگشت به ایمان، به زری لپتی و درک این نکته که جمعیت زیاد، یعنی قدرت زیاد، هر کس که امروز شعار فرزند کمتر را ترویج می‌کند، دانسته یا نادانسته، در حال خدمت کاهش قدرت ملی ماست. علاوه بر این بازگشت به فرزندآوری، یک اقدام صرفاً جمعیتی نیست، بلکه یک انقلاب فرهنگی در برابر تئولیرالیسم است. تئولیرالیسم می‌خواهد ما را به موجوداتی تک‌بعدی تبدیل کند که تنها دغدغهشان مصرف، رفاه و آسایش مادی است. آنها می‌خواهند ما باور کنیم رزق، وایسته به شمار حساب و مدیریت بانکی است! اما حقیقت این است که رزق، تنها به دست خداست. بازگشت به خانواده‌های پرجمعیت، در واقع اعلام این حقیقت است ما هنوز به رزق الهی ایمان داریم و اجازه نمی‌دهیم که ترس از فقر، ما را به اتو در آورد. این یک پیام سیاسی و ایمانی به جهان است، «ما ترسی از آینده نداریم، چون توکل ما به خدایی است که جهان را اداره می‌کند، نه به تحلیل‌های سرد و بی‌روح سازمان بهداشت جهانی». وقت آن است که از خواب رفاه‌زدگی بیدار شویم. برکت در اعداد ریاضی و حساب و کتاب‌های بانکی نیست، بلکه در توکل و بصیرت است. بازگشت به فرزندآوری، نه تنها پاسخی است به توطئه‌های مالتوسی که یک جهاد ملی برای نجات آینده کشور و تداوم حاکمیت حقیقت روی زمین است.